

مقدمات

بر اساس سیلابسی که ابلاغ شده، ترم‌های اول تا سوم درس تدبر و تفسیر بر اساس تفسیر ترتیبی برنامه‌ریزی شده‌اند و در ترم ۴، باید به تفسیر موضوعی پردازیم؛ با موضوعاتی مثل توحید، نبوت، امامت و... و همچنین، ترم ۵ این درس هم باید به تفسیر تخصصی هر رشته پرداخته شود. تفسیر ترتیبی، به این معنا بود با یک ترتیب و نسقی، سوره‌های قرآن را بخوانیم و جلو برویم و تفسیر موضوعی هم به این معناست که با کمک نرم‌افزارهای مختلف و کتاب‌های مختلف، در راستای یک موضوع مشخص، آیه‌های قرآن را مورد بررسی قرار بدهیم.

البته تفسیر موضوعی به این معنا که همه موضوعات قرآن را ذیل یک عنوان بندی کلاسه شده قرار دهیم، مطلوب نیست. چرا که حتی خود قرآن و احادیث هم بر این اساس بیان نشده‌اند و موضوعات مختلف در دسته‌بندی مشخص قرار نگرفته‌اند. بنابراین، ما سعی می‌کنیم که به هم‌هی این موضوعاتی که مشخص شده، اشاره‌ایم نماییم، اما نه اینکه مثلاً وقتی از انسان شناسی سخن می‌گوییم فقط در انسان شناسی متمرکز باشیم و کاری به مثلاً امامت و معاد نداشته باشیم؛ بلکه نگاه نظام مند و موحد اقتضا میکند که همه موضوعات در یک چارچوب و با یک منط و کاملاً مرتبط و در هم تنیده دیده شوند. خواهید دید که از ابتدا تا انتهای مباحث ما تماماً به هم مرتبط خواهد بود و خواهید دید چگونه موضوعات بظاهر غیر مرتبط کاملاً به هم ربط خواهند یافت؛ مثلاً وقتی از اسما الهی آغاز میکنیم تا انتهای مباحث و در تمام موضوعات بعدی به این بحث اسما ارجاع خواهیم داد.

در خصوص سیلابس درس تفسیر در ترم‌های گذشته، به این نکته باید اشاره نماییم که مطالعه‌ی تفسیر المیزان از جزء آخر قرآن، با یک نگاه، درست است و با یک نگاه دیگر، درست نیست. درست بودن آن، از این جهت است که مرحوم علامه، مباحث اصلی خود را در ابتدای المیزان بیان کرده‌اند؛ فلذا وقتی ما از آخر شروع می‌کنیم، در واقع برعکس حرکت می‌کنیم و مباحث اصلی را نادیده گرفته‌ایم. اما خوبی این روش هم این است که معمولاً وقتی از سوره‌های کوچک قرآن شروع می‌کنیم، مطالبشان راحت‌تر و سریع‌تر در ذهنمان جمع می‌شود و باقی می‌ماند. و بر همین اساس، اگر از سوره‌های کوچک شروع کنیم، انسجام مطالب در ذهن، بیشتر خواهد شد.

نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه داشته باشیم، خود تفسیر «المیزان» است. در واقع این یکی از آسیبها و اشتباهات ما این است که به طور مستقیم به سراغ خود المیزان می‌رویم. در بسیاری از مباحث، وقتی مستقیم به المیزان نگاه می‌کنیم، فکر می‌کنیم که مرحوم علامه به نکته‌ی خاصی اشاره نکرده‌اند. علت این امر این است که بسیاری از مباحث ایشان در کتاب المیزان، در اصل، برگرفته از مباحث عمیق فلسفی-قرآنی است که اگر کسی بخواهد ریشه‌ی آن مباحث را ببیند، باید به کتاب‌های قدیمی‌تر ایشان، مثل رسائل، مراجعه نماید.

بنابراین، بهتر است اگر می‌خواهیم تفسیر علامه را مطالعه نماییم، یا به شراح آن مراجعه نماییم، مثل حاج آقای عابدینی، آقای یزدان‌پناه و... یا اینکه ابتدا رسائل ایشان را مطالعه نماییم.

ما در این ترم، قصد داریم به برخی مباحث توحید عملی پردازیم. مقصود از توحید عملی، همان توحیدی است که در قرآن مطرح شده است، نه آن مباحث مربوط به استدلال‌های توحیدی. علت این موضوع هم این است که اگر ما باب مربوط به استدلال‌های توحیدی را باز کنیم، به سادگی نمی‌توانیم آن را ببندیم و مباحث آن قدر عمیق می‌شوند که شاید اصلاً نیاز نباشد. و البته، رویه‌ی قرآن و اهل بیت هم، همین‌گونه بوده و هست که دائماً مردم را به فطرت خودشان ارجاع می‌دهند و به مباحث مربوط معرفت النفس می‌پردازند تا اینکه بخواهند استدلال‌های عمیق فلسفی بیان کنند. بنابراین، شیوه‌ی پرداختن به مباحث قرآن به صورت موضوعی، باید استفاده از خود قرآن باشد.